

بحث: رشوه (یا: رشوه و یا: رشوه)

مقدمه ۱:

۱. «رِشَا، يَرِشُو، رِشْوًا» (از حروف اصلی ر ش و) به معنای رشوه دادن است و لفظ «رشوة» (ج: رُشَى) مصدر «ارتشی» است که به معنای رشوه گرفتن است. این باب مصدر دیگری هم به صورت «إرتشاء» دارد.^۱ اما طلب رشوة، از باب استفعال است و «استرشی» است. باب مفاعله این مبدء هم «راشی، مرأشاة» به معنای رشوه دادن است. البته «مرأشاة» به معنای «مدارا کردن» و «محابات» هم وارد شده است^۲
۲. جمهره اللغه، «رشوه» را اسم مصدر «رِشَا، يَرِشُو، رِشْوًا» دانسته است که در این صورت باید آن را اسم مصدر «رشوه دادن» معنی کنیم^۳
۳. مطابق نقل «الفروق فی اللغه»، عرب به رشوة «اتاوه» هم می‌گوید و آن را به صورت فعل «أتوت الرجل أتوا» هم استعمال می‌کند. (البته همین کتاب می‌نویسد که «اتاوه» به معنای خراج است) و همچنین به رشوه، «اسلال» هم گفته می‌شود^۴
- زبیدی هم می‌نویسد که به رشوه، «برطیل» (ج: براطیل) هم گفته می‌شود و اضافه می‌کند که معلوم نیست این لغت عربی باشد ولی در عرب مثلی هست که می‌گویند «البراطیل تنصر الابطال»^۵
۴. لغت «رِشَاء» همچنین به معنای ریسمان است^۶ معجم مقاییس اللغه، اصل در این مبدء را «سبب و تسبب لشيء برفقٍ و مُلَايَنَة» معنا کرده است^۷ مطابق این نقل، به این جهت به مفهوم رایج از رشوه، رشوه گفته می‌شود که باعث می‌شود کار به راحتی به سرانجام رسد. همین مطلب به نوعی دیگر مورد اشاره «المحکم و المحيط» است که می‌نویسد: «به ریسمان از آن جهت رشاء گفته می‌شود که: «لانه يوصل به الى الماء كما يوصل بالرشوه الى ما يطلب من الاشياء»^۸

۱. الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۵۷

۲. الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۵۷؛ کتاب العين، ج ۶، ص ۲۸۱؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۲۲؛ شمس العلوم، ج ۴، ص ۲۵۰۹؛ القاموس، ج ۴، ص ۳۶۸؛

المحيط فی اللغه، ج ۷، ص ۳۴۷؛ مقدمه الادب، ص ۱۴۹

۳. جمهره اللغه، ج ۳، ص ۱۲۷۶

۴. ج ۱، ص ۱۶۶

۵. الموسوعة الفقهية، ج ۲۲، ص ۲۲۰ به نقل از التعريفات، ص ۱۴۸

۶. المغرب، ج ۱، ص ۳۳۱؛ شمس العلوم، ج ۴، ص ۲۵۰۹

۷. ج ۲، ص ۳۹۷

۸. ج ۸، ص ۱۱۹





توجه شود که در تعبیر المحکم و المحيط، «رشوه برای رسیدن به اشیاء» استعمال می‌شود و لذا اعم است از «پرداختن مال برای رسیدن به حکم»

۵. القاموس المحيط^۱ و کتاب الماء^۲ و المحکم و المحيط^۳، لغت «رشوة» را به معنای «جُعِل» (یعنی مالی که قرار داده می‌شود) گرفته‌اند. همین مطلب به نوعی دیگر در اساس البلاغه هم مطرح است. زمخشری در این کتاب می‌نویسد: «فلان یرتشی فی حکمه و یاخذ الرُّشوه و الرُّشوه و الرُّشوه و الرُّشوه و الرُّشوه»^۴ مطابق این نقل، رشوه «مالی» است که اخذ می‌شود.

این در حالی است که زمخشری در الفائق، اعراب این کلمه را تنها به دو صورت «الرُّشوه» و «الرَّشوه» ضبط کرده است و آن را «الوصله الی الحاجة بالمصانعة» برمی‌شمارد که معنی مصدری است^۵ همین مطلب عیناً مورد اشاره ابن اثیر واقع شده است، با این تفاوت که به جای «رَشوه»، لفظ «الرُّشوه» را نشانده است^۶ (توجه شود که مطابق این نقل هم رشوه تنها مختص به «حکم» نیست).

۶. چنان که خواندیم (و مورد تصریح افصح^۷ و تاج العروس^۸ و القاموس المحيط^۹ هم واقع شده است) رشوه به فتح و ضم و کسر «راء» ضبط شده است ولی به نقل از شمس العلوم، اصل در این لغت، کسر «راء» است چرا که وی «رَشوه» را «لغة فی الرُّشوه» ضبط کرده است^{۱۰}.
همین مطلب مورد اشاره لسان العرب هم واقع شده است. چرا که این کتاب ضمن اشاره به هر سه ضبط، خود از ضبط «رَشوه» استفاده می‌کند ولی می‌نویسد:

«قَالَ سِيبَوَيْهٍ: مِنَ الْعَرَبِ مَنْ يَقُولُ رُشُوَّةً وَرُشِيًّا، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رِشُوَّةً وَرِشِيًّا، وَالْأَصْلُ رُشِيًّا، وَأَكْثَرُ الْعَرَبِ يَقُولُ رِشِيًّا»^{۱۱}

۱. ج. ۴، ص. ۳۶۸

۲. ج. ۲، ص. ۵۲۸

۳. ج. ۸، ص. ۱۱۹

۴. ج. ۱، ص. ۲۳۳

۵. الفائق، ج. ۲، ص. ۳۷

۶. النهاية، ج. ۲، ص. ۲۲۶

۷. ج. ۲، ص. ۱۰۱۲

۸. ج. ۱۹، ص. ۴۶۱

۹. ج. ۴، ص. ۳۶۸

۱۰. شمس العلوم، ج. ۴، ص. ۲۵۰۹

۱۱. لسان العرب، ج. ۱۴، ص. ۳۲۲

۷. زمخسری، اصل اولیه در این مبداء را «رِشَا الْفَرْخُ» برمی‌شمارد (به معنای اینکه جوجه (فرخ) گردن کشید به سوی مادرش تا او را غذا دهد) [رِشَا الْفَرْخُ إِذَا مَدَّ رَأْسَهُ إِلَى أُمِّهِ لِتَرْقُوهَ] وی همچنین «استرشی الفصیل» را (بچه شتر) «طَلَبُ الرِّضَاعِ» معنی می‌کند.^۱

لسان العرب هم با اشاره به «رِشَا الْفَرْخِ»، از ابو عبیده نقل می‌کند «الرِّشَا مِنْ أَوْلَادِ الضَّبَاءِ (آهو) الَّذِي قَدْ تَحَرَّكَ وَتَمَشَّى»^۲



۱. اساس البلاغة، ج ۱، ص ۲۳۳؛ الفائق، ج ۲، ص ۳۷

۲. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۲۲